

یادآورید آنچه را با فتح و عرفات شد قبول کنید میوه ای را که حماس چید! ابوذر

بدون شک در میان درگیری ها و جنگ های ملی و قومی، جنگ بین اسرائیلی ها و فلسطینی ها یکی از قدیمی ترین و پی گیرترین جنگ های قومی است. چرا این جنگ به امتداد تاریخ دوام پیدا کرده است؟ آیا این درگیری پایه فلسفی- مذهبی داشته و براساس توصیه های ذکر شده در تورات دوام می یابد؟ آیا این جنگ بین دو مذهب است؟ یا نه علل و ریشه های دیگری دارد. تنها در صدسال گذشته بارها جوی خون جاری شده و خشونت به حدی بالا گرفته که برخلاف اسرائیل که شدیداً تحت حمایت آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپای غربی قرار دارد و کلیه اقدامات ضد فلسطینی و قتل عام هایی را که انجام داده با چشم پوشی آمریکا و غرب مواجه شده، فلسطینی ها شدیداً تحت نظارت قرار داشتند.

اسرائیل به مثابه یک کشور تمام عیار با تکیه گاهی چون آمریکا دائماً کوشیده تا دایره عمل فلسطینی ها را هر چه بیشتر محدود کند. سازمان آزادیبخش فلسطین به مثابه رهبری که نه کشور داشت و نه دولت، باید هم نقش دولت را بازی می کرد و هم از حقوق شهروندان فلسطینی دفاع می کرد. به همین خاطر رهبری ساف هر چه بیشتر جذب مناسبات دیپلماتیک می شد از اتوریتته آن در میان فلسطینی های آواره کاسته می شد و به همین رو رفته رفته موج رادیکالیسم و افراط گری در جامعه فلسطینی ها رشد می کرد.

در جنگ ۱۹۴۸-۱۹۴۹ بیش از یک میلیون فلسطینی از خانه و کاشانه خود رانده و به زندگی پر مشقتی مجبور شدند. اسحق رابین یکی از رهبران اسرائیلی بود که همیشه تلاش می کرد روحیه برتری جویانه و انتقام گیرانه یهودیان را بالا نگه دارد. طرح های مکرری که از سوی آمریکا و در جهت قدرتمند شدن اسرائیل به میان آورده شده دائماً موجب رشد خشونت اسلام گرایان و به حاشیه رانده شدن میانه روی های «ساف» شد.

اسحق رابین برای اینکه مسئله اسرائیل همیشه در مد نظر باشد و کمک بلاعوض سه میلیارد دلاری سالانه آمریکا به اسرائیل افزایش یابد به بیل کلینتون می گفت: «باید تهدید اسلام گرایان در جهت سلطه بر جهان را همپای کمونیسم ارزیابی کرد».

انشقاق و تفرقه در بین فلسطینی ها و ایجاد افراط گرایی اسلامی در بین آن ها بویژه پس از رشد روحانیون قشری در ایران گره کور منطقه را کورتر کرد.

بازی کلینتون با فلسطینی ها پایه های روی کار آمدن حماس را پی ریزی کرد. کلینتون می کوشید با فشار به فلسطینی ها تفرقه و تشدد بین آن ها را افزایش دهد تا بتواند آن ها را در مذاکره با اسرائیل به قبول حداقل و ادوار سازد. بی خود نبود که در انتخابات بین بوش پدر و کلینتون یهودی های آمریکا از کلینتون «دموکرات» دفاع می کردند. چانه زدن ساف و بازی در معاملات سیاسی و دیپلماتیک و تن دادن به برخی از سازش ها زمینه انسجام یافتگی حماس را فراهم می آورد.

یکی از دلایل فشار روز افزون به کشور سوریه این است که سوریه نقش مصر را بازی نکرد. مصر با شرکت در مذاکرات کمپ دیوید در حقیقت به حق حاکمیت فلسطینی ها پشت کرد. اما سوریه تاکنون به این خواست آمریکا لبیک نگفته است. از همین رو سیاست آمریکا در خاورمیانه سیاست شفاف و صادقانه ای نیست. پس از پیروزی چشمگیری اخیر حماس در فلسطین غرب و در راس آن آمریکا با بیانات تند هرگونه همکاری و مذاکره با دولتی که

حماس در آن نقش تعیین کننده بازی می کند را رد کردند. اما هرگز کسی این حقیقت را بیان نکرد که روی کار آمدن حماس ارتباط مستقیمی با فشار غرب و آمریکا روی جناح میانه رو فلسطینی ها و بویژه سازمان فتح داشت.

محاصره مقر یاسر عرفات در رام الله هنوز فراموش نشده است. در آن روزها حماس با دادن قربانی برای این روز سرمایه گذاری می کرد. آمریکا می کوشد با رام کردن فلسطینی ها و قدرتمند ساختن اسرائیل سیاست «خاورمیانه بزرگ» خود را عملی سازد. لکن این بدون احترام به حقوق فلسطینی ها عملی نخواهد شد. آمریکا و اسرائیل در ظاهر هم شده باشد همیشه چنین وانمود می کنند که به آرای مردم احترام می گذارند. اینک در فلسطین از مردم نظر خواهی شده و مردم به حماس رای داده اند. اگر چه این سازمانی است افراطی و شدیداً ضد اسرائیلی. منطق حکم می کند که با حسن نیت به گزینش مردم احترام گذاشته شود و اصل مسئله یعنی به رسمیت شناختن حق حاکمیت مردم فلسطین را بپذیرند. در آن صورت حماس چیزی برای گفتن نخواهد داشت. در غیر این صورت این دور تسلسل ادامه خواهد یافت.

(سایت "فرقه دمکرات آذربایجان")